

## شهرسازی شیراز در قرن ۸ هجری قمری نمونه موردی: دوره آل اینجو

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۱/۲۵

کد مقاله: ۹۲۳۹۳

محمد رضا احمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

فروپاشی دولت ایلخانان باعث به وجود آمدن شرایط خاصی در تاریخ ایران قرن هشتم هجری قمری و تشکیل حکومت‌های محلی در مناطق مختلف گردید. این شرایط خود باعث شکل‌گیری یک سلسله درگیری‌ها در ایران شد. شیراز در این قرن زیر نظر حاکمان آل اینجو و آل مظفر و ... قرار داشت که به گفته بسیاری از مورخان و شاعران از جمله حافظ شیراز در زمان آل اینجو دوره بسیار خوبی را گذراند. آل اینجو از جمله حکومت‌های محلی بود که هر چند کوتاه مدت اما توانست شهر شیراز را از لحاظ فرهنگی و شهرسازی بسیار شکوفا سازد. بناهای زیادی در این زمان در محلات مختلف این شهر ساخته شد که متأسفانه امروزه از آن‌ها چندان چیزی باقی نمانده و اطلاعات زیادی در منابع نوشته نشده است. در این دوره به مقوله عمران و آبادی این شهر توجه زیادی شد اما با سقوط این دولت به دست آل مظفر دوران پیشرفت شیراز تا حدود زیادی باز ماند. در این مقاله سعی بر آن شده تا تمام بناهای ساخته شده و کارهای عمرانی این دولت در شیراز مورد بررسی قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: آل اینجو، شیراز، حکومت‌های محلی، شهرسازی و عمران

۱- کارشناس گردشگری حوزه شهرداری شیراز (مدیر مرکز شیرازشناسی) wvja\_24@yahoo.com

## ۱- مقدمه

شهرسازی و معماری شهرهای ایران در دوره اسلامی از زمان ورود اسلام به این کشور شروع می‌شود و این رویکرد با توجه به اوضاع آن دوره تغییر می‌کرده است. با توجه به منابع مکتوبی که امروزه در اختیار ماست می‌توان به شهرسازی شهر شیراز در دوره اسلامی و قبل از حکومت آل اینجو پی برد. می‌توان از شهرسازی قرن چهارم هجری قمری و دوره آل بویه در شیراز و یا شهرسازی وسیع اتابکان فارس در این شهر یاد کرد اما با توجه به نبود بناهای یاد شده متأسفانه تصویر درستی از این ساخت‌وسازها نداریم. این روند حتی تا دوره صفوی نیز ادامه دارد و تخریب‌های ناشی از زلزله و دیگر مسائل باعث شده شهرسازی این دوران بیشتر از طریق منابع مکتوب به یادگار بماند. با این حال باید دوران آل اینجو را دوره‌ای خاص برای شهر شیراز دانست زیرا در روزگار تیره و تاریک ایران در حملات مغول، تنها خطه فارس بود که به دلیل سیاست‌های حکمرانان خود از گزند و یورش ویرانگرانه مغول در امان مانده بود. بعد از ایلخانان هر چند باری دیگر این درگیری‌ها و جنگ‌ها ادامه پیدا کرد اما شیراز دوره اعتدالی خود را باری دیگر حفظ و ادامه داد. حکومت آل اینجو در سایه این امنیت مقوله شهرسازی و عمران شیراز را ادامه دهد و نکته بسیار مهم در این خصوص مشارکت همه حاکمان این دولت در بحث مرمت و عمران می‌باشد که محمودشاه، جلال‌الدین مسعود، شیخ ابواسحق و جدای از این حاکمان، تاش خاتون نقش بسیار مهمی در این عمران و شهرسازی داشته که متأسفانه از این دوره بناهای زیادی به یادگار نمانده است. با اینکه از شهرسازی و معماری این دوره در شیراز اطلاعات زیادی نداریم اما با توجه به بناهایی که آن‌ها در این شهر ساخته بودند و هر چند امروزه به جز خدایخانه و بازار حاجی از معماری آن دوره چیزی باقی نمانده می‌توان به ساختار و نوع معماری آن‌ها پی برد. بر اساس منابع و با توجه به بناهای آن‌ها می‌توان شهرسازی و معماری این دوره را یکی از بهترین ادوار شهر شیراز دانست که به خصوص کارهای عمرانی شیخ ابواسحق و مادرش را باید در این قرن یک استثنا دانست. اینکه این دولت به جز آثار یاد شده در منابع، بناهای دیگری داشته یا نه متأسفانه با خبر نیستیم و در این مورد تنها باید به اطلاعات منابع اکتفا کرد.

## ۲- خاندان آل اینجو

اواسط قرن ۸ هجری قمری را می‌توان دوره حکومت‌های محلی خواند، زیرا از اواخر ایلخانان، حکومت‌های محلی در گوشه و کنار ایران برآمدند. یکی از حکومت‌های مذکور آل اینجو بود که حکومت خود را در فارس با محمودشاه اینجو آغاز کرد (بحرانی پور و زارعی، ۱۳۸۹: ۹). او در عهد حکومت ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانی ایران، از فرزندان هلاکوخان مغول، در قرن هشتم هجری قمری، بر املاک خاصه ایلخانی یعنی املاک اینجو گماشته شد. شرف‌الدین محمود که در فارس، کرمان، یزد، کیش و بحرین وزارت خاصه را برعهده داشت و نسب خویش را به خواجه عبدالله انصاری منسوب می‌دانست، بزودی ممالک جنوب ایران را از اصفهان تا جزایر خلیج تحت اداره مالی خود در آورد و به میرشرف‌الدین محمود شاه اینجو معروف شد (کمربیح، ۱۳۷۹: ۲۰). او توانست از این راه، مالی فراوان بدست آورد چنانکه در اواخر ایام سلطنت ابوسعید حاصل سالیانه املاک شخصی او به سیصد تومان می‌رسید. ابوسعید در سال ۷۳۴ او را از حکومت فارس بر کنار کرد ولی او زیر بار این حکم نرفت و دست به طغیان بر ضد خان مغولی زد، ابو سعید به وساطت خواجه غیاث‌الدین رشیدی از سر خون او گذشت و او را در قلعه طبرک اصفهان محبوس ساخت و چندی بعد با وساطت خواجه رشید، آزاد شد ولی پسرش را به روم پیش امیر شیخ حسن چوپانی حکمران آن بلاد به تبعید فرستاد و تا زمان مرگ ابوسعید، او در آنجا به سر می‌برد. خواجه غیاث‌الدین به خاندان اینجو التفات بسیار داشت و ایشان را در کارهای دیوانی دخالت می‌داد، بعد از مرگ ابوسعید، محمودشاه نیز مورد خشم جانشینش قرار گرفت و در سال ۷۳۶ به قتل رسید. دو تن از پسران او یعنی مسعود شاه و ابواسحاق نیز که در تبریز بودند از پیش امیر چوپانی گریختند (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۵: ۴۱۰). سلسله آل اینجو به دلیل امیر فرهنگ پروری چون شاه شیخ ابواسحق اینجو که رابطه نزدیکی با حافظ شیرازی داشته تا حد زیادی نامش با فرهنگ کشور ایران آمیخته است. اصل و اشتقاق واژه اینجو مبهم است و به درستی معلوم نیست به چه زبانی است. این واژه در یک سند ختنی بازمانده از قرن ۴ هجری به معنی قبیله اصلی در یک اتحادیه قبایلی است. بعدها به معنی ملک و دارایی خاندان یا قبیله و ملک و دارایی خاصه خان یا رئیس و در زبان ترکی در عهد مغولان به معنی اقطاع و تیول آمده است. نزدیک ترین کلمه مغولی به اینجو، واژه اینجی است که در میان مغولان به معنی جهیزیه، کنیزان، بردگان و خدمت‌گذارانی است که به عنوان بخشی از جهیزیه همراه عروس به خانه داماد فرستاده می‌شد. اما این واژه به آن دلیل شهرت یافته است که پس از ازدواج ایش خاتون، واپسین اتابک سلغری فارس، فارس به عنوان جهیزیه (اینجو) به همسر مغولش تعلق گرفت. از آن پس مغولان، مباشرانی برای اداره فارس تعیین کردند که اینجو نامیده شدند. اینان در نبود حکومت مرکزی در فاصله میان پرافتادن ایلخانان تا برآمدن آل مظفر، حکومت محلی مستقلی تشکیل دادند (بحرانی پور و زارعی، ۱۳۸۹: ۱۰). حکومت با وجود شاه شیخ ابواسحق اینجو که تا سال ۷۵۷ هجری بر ولایت فارس فرمان می‌راند، بیشتر شناخته می‌شود. شیخ ابواسحق در دوره حکومت خود همچون حاکمان دیگر قسمت‌های مختلف ایران برای استحکام پایه‌های حکومتش، کوشید از مشروعیت ایرانی بهره‌برد (عباسی و راضی، ۱۳۹۳: ۱۴). او در دوران

حکومت خویش چندین لشکرکشی بی نتیجه به یزد و کرمان علیه مظفریان انجام داد، از جمله در سال ۷۵۱ هجری قمری در کرمان با لشکریان مظفری درگیر شدند. امیر مبارزالدین مظفری در ادامه درگیری‌های خویش با ابواسحق، اقدام به محاصره شیراز کرد که شش ماه به طول انجامید. شیخ ابواسحق در طول محاصره شهر، دست به اقداماتی زد که مورخان آن‌ها را علل سقوط وی دانسته‌اند که می‌توان به سپردن حفاظت دروازه‌ها به پهلوانان اصفهانی، کشتن امیر حاج ضرباب از بزرگان محله درب مسجد نو و حاجی شمس الدین قاسم پیشوای محله باغ نو اشاره نمود که به گفته میرخواند: ((اهل شیراز از این دو واقعه کوفته خاطر و آزرده گشتند)) (میرخواند، ۱۳۸۰: ۲۹۴). همزمان با حمله‌های سپاهیان مظفری، پهلوانان محله موردستان، نگهبانان اصفهانی را به قتل رساندند و دروازه موردستان را به روی آن‌ها گشودند (خیراندیش و منصور، ۱۳۹۱: ۱۱). با تصرف شیراز به دست آل مظفر، شاه شیخ ابواسحق به اصفهان فرار و در آن شهر مخفی شد. امیر مبارزالدین محمد مظفری که در پی انتقام از او بود، اصفهان را چندی محاصره و توانست شیخ ابواسحق را دستگیر کند. شیخ را به شیراز آورده و در میدان سعادت کشتند.

### ۳- وضعیت شهرسازی شیراز در زمان آل اینجو

امروزه از شهرسازی دوره آل اینجو بناهای زیادی باقی نمانده است. شاید خدایخانه مسجد عتیق و بازار حاجی شاخص‌ترین بناهای این دوره محسوب می‌گردند که در شیراز وجود دارد هرچند زلزله‌های شیراز تخریب بسیار زیادی به خصوص در خدایخانه داشته و بنای فعلی به نوعی مرمت شده دوره اخیر می‌باشد. آن طور که این بطوطه برای ما گزارش داده است، شهر شیراز در زمان آل اینجو دارای باغ‌های عالی، چشمه سارهای پر آب، بازارهای بدیع و خیابان‌های خوب بوده و به عقیده او نظم و ترتیب عجیبی در این شهر حکمفرما بوده است (این بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۵۰). در زیر به بررسی بناها و شهرسازی این دوره پرداخته خواهد شد.

#### ۳-۱- کاخ شیخ ابواسحق

در مورد شخصیت ابواسحق مورخین و نویسندگان متعددی اظهار نظر کرده‌اند. به طور کلی همه او را سخی‌ترین پادشاه زمان می‌دانسته‌اند و حتی اظهار عقیده کرده‌اند که قرن‌ها نظیر چنین پادشاه بخشنده‌ای پدید نیامده است. ابن بطوطه که به ملاقات شیخ رفته بود می‌گوید: ((امیر ابواسحق یکی از بهترین سلاطین و مردی خوش هیکل و خوبروی و کریم و خوش اخلاق و فروتن بود)) (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۵۱). شیخ ابواسحق فرزند شاه محمود اینجو و ملکه تاش خاتون بود که بعد از پدرش به حکومت فارس رسید اما در جنگ با مظفریان شکست و به اصفهان گریخت و آن‌جا دستگیر و در شیراز توسط امیر مبارزالدین محمد کشته شد. محمود کتبی مورخ دربار آل مظفر در وصف سجایای اخلاقی دشمن ارباب خویش امیر مبارزالدین می‌نویسد: ((به اخلاق از همه مهتر، بلکه از اکثر ملوک به کرم ممتاز و صیت مکارمش از آفتاب مشهورتر و همواره ابواب فواید و عوائد بر شریف و دنی و فقیر و غنی گشاده داشت و در آن روزگار از وی کس کریم تر نشان نداده)) (کتبی، ۱۳۶۴: ۶۶). ابن بطوطه در سفرنامه خود در خصوص شیراز و شیخ ابواسحق اینجو مطالب بسیار جالبی نگاشته است. یکی از بناهایی که امروزه در شیراز وجود ندارد کاخی بوده که شیخ ابواسحق در حوالی میدان سعادت ساخته بوده است. او می‌نویسد: ((شاه ابواسحق تصمیم گرفته بود ایوانی نظیر ایوان کسری بنا کند لذا فرمان داد که مردم شیراز پایه بنا را بکنند. مردم آن شهر در اجرای فرمان به جنب و جوشی بزرگ برخاستند. هر یک از طبقات می‌کوشیدند که در این کار سهم بیشتری داشته باشند و کار رقابت و همچشمی به جایی رسید که زنبیل‌های بزرگ چرمین برای خاکبرداری درست کردند و آن سبدها را با پارچه‌های ابریشمی زربفت پیوشانیدند. حتی از این نیز گذشته، پالان‌ها و خرجین‌های دواب را به طرز مزبور می‌آراستند و برخی کلنگ‌ها از نقره درست کرده بودند و در محل کار شمع‌های فراوان می‌افروختند و هنگام حفاری و خاکبرداری بهترین جامه‌های خود را می‌پوشیدند و پیش بندهای ابریشمین بر کمر می‌بستند و شاه ابواسحق از جایگاه مخصوص خود عملیات مردم را نظاره می‌کرد. من خود این بنا را دیدم که در حدود سه ذراع از زمین بالا آمده بود، بعد از آن که کار پایه ریزی تمام شد، بیگاری مردم شهر نیز پایان یافت و پس از آن عمه‌هایی که کار می‌کردند مزد می‌گرفتند و هر روز هزاران تن کارگر در این بنا مشغول بودند و من خود از فرماندار شهر شنیدم که قسمت اعظم درآمد شهر صرف مخارج این بنا می‌شد و تصدی آن با امیر جلال الدین بن فلکی تبریزی بود)) (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۵۸). عبید زاکانی شاعر همین قرن، شیخ ابواسحق را به خسرو تشبیه کرده و منظور از ساخت این بنا را برگزاری مراسم بارعام و نیز بزم‌های شاهانه که از رسوم دربار ساسانی بوده بیان کرده است:

سلطان تاج بخش جهاندار امیر شیخ	کاوازه‌ی سعادت جودش جهان گرفت
شاهی چو کیقباد و چو افراسیاب گرد	کشور چو شاه سنجر و شاه اردوان گرفت
پشتی دین به قوت تدبیر پیر کرد	روی زمین به بازوی بخت جوان گرفت
در عیش ساز و عادت خسرو بنا نهاد	در رسم و عدل شیوه‌ی نوشیروان گرفت
ایوان و قصر و جنت و فردوس بر فراشت	در وی نشست شاد و قح شادمان گرفت

شیخ ابواسحق می‌کوشید برای همانند سازی بیشتر خود با حاکمان ایرانی ساسانی، تاج و تخت خویش را شبیه ایشان کند.

### ۳-۲- خدایخانه مسجد عتیق

بنای تاریخی خدایخانه بخشی از مسجد عتیق شیراز است که قرارگیری آن در صحن، مسجد عتیق را از دیگر مساجد متمایز کرده است. اگرچه بنای خدایخانه پیش از قرن هشتم هجری قمری بنا شده لیکن اسناد و مدارک گواه بازسازی آن در دوره آل اینجوست. از آن جایی که سنگ، اصلی ترین مصالح به کار رفته در معماری این بنا است، تزئینات آن نیز با ساختار بنا ارتباطی تنگاتنگ دارد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲). این بنا دارای نقشه ای مستطیل شکل است و دورادور هر چهار جانب آن را راهروی مسقف فرا گرفته که در هر طرف دارای سه طاق است. راهروی مسقف، یک تالار کوچک را در میان گرفته که این تالار به روی محور عرضی مجموع بنای مسجد ساخته شده ولی نسبت به محور طولی مستطیل مسجد قرینه نیست. این ساختمان کوچک اما پیچیده و بسیار شکیل دارای تناسباتی استادانه است، تفاوت طول های اضلاع مختلف آن با کاربرد ستون های متناوب تک و دو قلو و طاقتماهای مسدود شده اصلاح گشته است. موقعیت خاص تالار از خصوصیت هندسی جالبی برخوردار است، حرکت بلندترین محور به سوی جنوب که با وزنه بلندترین ضلع بنا دفع شده، احساس تقارنی کاذب ولی در عین حال موزون به وجود آورده است (گالدیری، ۱۳۷۹: ۳۹). خدایخانه ساختمانی است که تمام مسجد را تحت تاثیر خود قرار داد است. این ساختمان چنان آوازه ای پیدا کرد که الگویی برای نگارگران شد. در نگاره ای منسوب به بهزاد از ۹۳۵ هجری قمری، شیراز و خدایخانه آن با روش نگارگران ایرانی به تصویر کشیده شده است (بینون، ۱۳۶۷: ۷۰). معمار این بخش از بنای مسجد جامع، ساختمانی را ساخت که بخش جدایی ناپذیر و هویت دهنده آن می‌شود تا جایی که هویت مسجد جامع بدون این ساختمان قابل تصور نیست (اردشیری، ۱۳۸۹: ۱۱۵). نمای خارجی خدایخانه به شکل خانه کعبه ساخته شده است و نمای چهار مناره آن از سنگ های مکعب شکل آجر مانند تزئین یافته که لا به لای آن‌ها گاهی سنگ های رنگین به کار رفته و با گچ نصب شده است. روی سنگ های ازاره پایین آن نیز نقش و نگاری دیده می‌شود. اتاق وسط نیز از گچ و سنگ ساخته شده و در مشرق و مغرب آن دو سنگ مشبک نصب شده است، همچنین در شمال و جنوب اتاق، دو در وجود دارد که در شمالی آن خاتم کاری است (چارثی، ۱۳۹۰: ۱۰). دیولافوا جهانگرد فرانسوی پس از بازدید از مسجد جامع به ساختمان خدایخانه اشاره کرده و می‌گوید: ((در وسط حیاط آن (مسجد) به جای حوض معمولی، بنای کوچک مربعی وجود دارد که با سنگ ساخته شده و هر یک از زوایا به برج کم ارتفاعی تکیه دارد. راهنمایان می‌گویند که این بنا نسخه ثانی خانه کعبه است، این بنا در شیراز به نام خداخانه معروف است. بام آن خراب شده و منظره حزن آوری دارد، کتیبه ای از کاشی مینایی فیروزه ای در بالای برج ها در سنگ ها دیده می‌شود و می‌رساند که ساختمان خداخانه در سال ۱۴۵۰ میلادی به پایان رسیده است)) (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۳۱۷). فرصت الدوله در خصوص خدایخانه می‌نویسد: ((در میان مسجد نیز عمارتی است مربع که دو طبقه بوده که در آن خطوط بسیار بر احجار، استادان صاحب فن، نقش کرده اند که مطرح انظار خطاطان روزگار است. گویند در آنجا مصاحف بسیار از خطوط صحابه و تابعین بوده و قرآنی به خط مبارک حضرت علی (ع) و دیگری به خط امام حسن (ع) و دیگری به خط سید سجاد و دیگری به خط حضرت صادق (ع) و دیگری به خط عثمان که بر آن اثر خون او بوده و آن مصاحف به واسطه فتن و آشوب از میان رفته است)) (فرصت الدوله، ۱۳۷۷: ۵۰۵). همین نویسنده در جای دیگر و در خصوص تخریب این بنا می‌نویسد: ((به چشم خود جایی را در مسجد دیدم که بواسطه بارندگی فرو ریخته بود و از روزنه، چندین جلد قرآن به طریق سی پاره به خط جلی که بعضی با طلای اشرفی نوشته شده بود نمودار شد، برگ های این سی پاره پوسیده و خطوطش محو گردیده بود)). محمدتقی مصطفوی در کتاب اقلیم پارس در خصوص خدایخانه و کتیبه آن می‌نویسد: ((چون داخل مسجد شوند قسمت قدیمی مهمتری که به نظر می‌رسد بنای خداخانه یا بیت المصحف است که در وسط صحن مسجد قرار دارد و آن را به فرمان شاه ابواسحق اینجو ساخته اند. کتیبه معرق منحصر به فردی بر بالای خداخانه دیده می‌شود که از تخته سنگ های منظم ترکیب یافته و خطوط کتیبه را در سنگ به طور برجسته تراشیده و باقی سنگ را کمی گود نموده اند و بوسیله کاشی های معرق، قسمت های گود را پر کرده اند و اینگونه هنرنمایی در بناهای دیگر ایران سراغ نمی‌رود. کتیبه مزبور به خط یحیی الجمالی الصوفی خوشنویس معروف زمان شاه ابواسحق و مورخ به ۷۵۲ هجری قمری بوده و مشتمل بر خطبه ای است که نام شیخ ابواسحق و جملاتی در شان قرآن کریم را در آن ذکر کرده اند. بنای خداخانه هم مانند سایر قسمت های مسجد جامع خراب شده و قسمت هایی از آن باقی بود)) (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۶۱). علی سامی در کتاب خود در خصوص این بنا می‌گوید: ((قسمت مهم و جالب و باستانی ساختمان های درون مسجد، یک ساختمان سنگی زیبایی است در وسط مسجد که به نام خداخانه یا بیت المصحف (خانه قرآن ها) خوانده شده و هیچکدام از مساجد اسلامی نظیر این شکل و تزئین ساختمان وجود ندارد و آن را شیخ ابواسحق اینجو شاه فارس در سال ۱۳۵۱/۷۵۲ میلادی ساخته است. طرز ساختمان که پرستشگاه زمان ساسانیان را به یاد می‌آورد عبارت از چهار برج استوانه ای شکل از سنگ های مربع تراشیده در چهار گوشه و چهار ایوان که هر ایوانی دو ستون دارد بین چهار برج و یک اتاق در وسط که جایگاه نگهداری قرآن ها بوده است. بر نمای خارجی این بنا کتیبه ای به خط ثلث معرق

که در عالم خود منحصر و کم نظیر است به خط یحیی الجمالی الصوفی، خوشنویس معروف زمان شاه شیخ ابواسحق بوده که مرور ایام قسمت های مهمی از آن را جز سه برج ریخته و از بین رفته و اتفاقاً تاریخ بنا روی برج ضلع جنوبی باقی مانده بود که از روی همان بقایا سال های اخیر توسط اداره کل باستان شناسی ترمیم گردید)) (سامی، ۱۳۳۷: ۳۰۴). در کتاب تذکره دلگشا در خصوص ساختمان خدایخانه مطلبی نوشته شده است که با ساختار کنونی این بنا سازگار نیست. علی اکبر نواب ملقب به ((بسمل)) در این کتاب می نویسد: ((باری، مسجدی است وسیع مشتمل بر عمارات و معابد بسیار و در میان صحن مسجد، عمارتی مربع بس رفیع دو طبقه که در آن صنایع از حجاری و بنایی استادان صاحب فن خطاطان عنبرین خامه نموده بودند، طبقه بالای بواسطه توانر امطار حوادث و زلزله، انقلابات زمان، خراب و ویران و زیرین آن هنوز باقی است)) (نواب شیرازی، ۱۳۶۹: ۵۹). علی سامی در کتابش می نویسد علینقی بهروزی معتقد است که قبل از ساختمان فعلی خدایخانه یک بنای کوچکتر وجود داشته است. ((پیش از ساختمان خدایخانه توسط شاه شیخ ابواسحق اینجو، اطاقی در وسط مسجد به نام دارالمصحف بوده که دیوارهای مشبک سنگی داشته و بعدها در زمان همین پادشاه اطاق کوچک به این بنای مجلل و به همان نام تبدیل گردیده است)) (سامی، ۱۳۶۳: ۵۸).

### ۳-۳- سه گنبد

سه گنبد اثری است که شیخ ابواسحق بر مزار شیخ کبیر ساخته بوده که امروز اثری از آن باقی نمانده است. علت توجه شیخ ابواسحق به مزار ابن خفیف را باید دفن شدن پدرش در کنار ابن عارف بزرگ دانست. به گفته آقای مهرابا با ساخته شدن این سه گنبد، رونقی به مزار شیخ داده شد. محمودشاه اینجو بعد از مرگ در گورستانی که به گورستان ابن خفیف معروف بوده دفن می شود.

### ۳-۴- مرمت گنبد شاهچراغ (ع)

تاش خاتون یا تاشی خاتون همسر محمودشاه ایتجو و مادر شاه ابواسحق اینجو، زنی قدرتمند و فهمیده بود که در امور سیاسی هم دخالت داشت. در منابع از ایشان به عنوان بانویی بزرگوار و عابد و صالح یاد شده است که در رابطه با گسترش تشیع و حفظ احترام و بزرگداشت احمد بن موسی (ع) اقدامات موثری انجام داده است. تاشی (تاش) که در برخی تذکره ها به صورت طاش، طاشی نیز نوشته شده و در کتاب شیرازنامه که صاحب آن معاصر تاشی خاتون بوده است نام او را به طور مشخص نیاورده و با عنوان «حضرت علیه بقیس» از وی یاد می کند اما بنا بر شواهد و اشاره دیگر تذکره ها او همان تاش یا تاشی خاتون می باشد. در تذکره هزار مزار از ابن بانو با عنوان «ملکه معظمه و خاتون مفتخمه خیره طیبه عابده مجتهده تاشی خاتون» نام می برد که نشان از عظمت او دارد (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۲). تاشی خاتون در سال ۷۵۰ هجری قمری در جنب مرقد شاهچراغ (ع) مرقدی برای خود ساخت و پس از مرگ در همان جا دفن شد (مهرابا، ۱۳۴۸: ۴۲۶). از مهمترین اقدامات تاشی خاتون که بیشترین شهرت وی مرهون همین اقدام اوست، ساخت بارگاه و گنبدی رفی و درخور توجه برای مرقد احمد بن موسی (ع) است. این گنبد در سال ۷۵۰ هجری قمری ساخته شد (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۵). بلندای آن به گونه ای چشم نواز است که مولف شیرازنامه در مقام اغراق گویی رفعت آن را با قمر عرش و سطح کرسی برابر و حتی بالاتر می داند (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۵). گفته شده گنبدی که تاشی خاتون بر روی بقعه احمد بن موسی (ع) ساخته بود ۷۲ ترک داشت که هر ترک و قطعه آن ۹۰ سانتیمتر عرض داشته است که در قرن هشتم هجری قمری یکی از شاهکارهای هنری و معماری به شمار می رفت (بهروزی، ۱۳۳۴: ۲۰۱). این گنبد به مرور زمان و بر اثر زلزله تخریب و در دوره های بعد توسط بزرگان و حاکمان شهر مورد مرمت قرار گرفت (ندیم و دیگران، ۱۳۹۷: ۴). فارسنامه نیز ضمن اشاره به ویرانی گنبد می نویسد: «تاش خاتون والده مکرمه پادشاه زمان شاه شیخ ابواسحق پسر شاه محمود اینجوی در سال ۷۵۰ هجری تجدید عمارتش فرمود» (حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۲۶۵).

### ۳-۵- مدرسه تاشی خاتون

این مدرسه توسط مادر شاه شیخ ابواسحق اینجو و در کنار مزار حضرت احمد بن موسی (ع) ساخته شد (امداد، ۱۳۸۵: ۲۰). در سفرنامه ابن بطوطه آمده است: «تاش خاتون مادر سلطان ابواسحق مدرسه بزرگی و زاویه ای برای این مزار ساخته که در آن برای مسافرین طعام داده می شود و دسته ای از قاریان همواره بر سر تربت قرآن می خوانند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۶۱). این مدرسه با عنوان مدرسه خاتونیه، به قولی در سال ۷۶۴ هجری قمری و به قولی دیگر در سال ۷۵۰ هجری قمری ذکر کرده اند. (ندیم و همکاران، ۱۳۹۷: ۹).

### ۳-۶- مدرسه مسعودیه

این مدرسه توسط جلال الدین مسعودشاه پسر محمودشاه اینجو و برادر شاه شیخ ابواسحق احداث و احمد بن زرکوب شیرازی مولف شیرازنامه در آن کار تدریس اشتغال داشته است. افسر نیز در کتاب خود از موقعیت این مدرسه صحبتی نکرده است. مولف منتخب التواریخ در مورد جلال الدین مسعودشاه می نویسد: «مرد صاحب دولت بود و عمارت بسیار و بقاع خیر از او بازماند» (خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

### ۳-۷- قصر جعفرآباد

جلال الدین مسعودشاه هنگام حکومت خود بر شیراز در صحرای جعفرآباد، در شمال شرقی شیراز بین دروازه سعدی و دروازه اصفهان، کاخی ساخته بوده که بعدها از میان رفته است (افسر، ۱۳۵۳: ۹۴). از میان منابع، در خصوص صحرای جعفرآباد، افسر می نویسد: «در دو سوی جاده ای که به استخر می رفته (مسیر خیابان حافظ)، دو صحرای خرم و آبادان وجود داشته که صحرای غربی را مصلی و صحرای شرقی را جعفرآباد می نامیدند» (افسر، ۱۳۵۳: ۸۴).

### ۳-۸- دیوار شهر

یکی از کارهای بسیار مهم خاندان آل اینجو، مرمت دیوار شهر بوده است زیرا بارویی که به فرمان غازان خان تعمیر و مرمت شده بود دوام زیادی نیافت. به همین سبب چون ملک شرف الدین محمودشاه اینجو به حکومت فارس منصوب شد در سنه ۷۲۵ هجری قمری به تجدید عمارت باروی شهر اقدام نمود (خوب نظر، ۱۳۸۰: ۵۸۹).

### ۳-۹- مدرسه مجدیبه

این بطوطه در سفرنامه خود در مورد این مدرسه صحبت کرده و می نویسد: «چون به شیراز وارد شدم نیتی به دل نداشتم جز زیارت شیخ قاضی امام مجدالدین اسمعیل، من برای زیارت شیخ به مدرسه مجدیبه رفتم که او خود بنا کرده و در همان جا سکونت دارد. شیخ خدام خود را فرمود که مرا در خانه کوچکی در این مدرسه منزل دادند» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۵۳). قاضی مولانا مجدالدین فالی در عهد شاه شیخ ابواسحق منصب قاضی القضاتی داشته و علاوه بر کمالات علمی و فضل فراوان، دارای فضائل اخلاقی بوده و کتبی چند تالیف کرده که از آن جمله «شرح المختصر فی الاصول لابن الحاجب» و در سال ۷۵۶ هجری قمری درگذشت و او را در گورستان مصلی دفن کردند. حافظ در مدح این قاضی گفته است:

دگر مربی اسلام شیخ مجدالدین

که قاضی به ازو آسمان ندارد یاد

مهراز در کتابش در مورد خاندان فالی اینگونه نوشته است: «افراد خاندان فالی بیش از صد و پنجاه سال متصدی امور حکومت یا قضاوت یا شرعیات فارس بودند و همگی به فضل و دانش اشتهار داشتند. سر سلسله این خاندان قاضی سراج الدین مکرّم بن العلاء فالی است. قاضی مجدالدین فرزند سراج الدین است که علامه و نادره دوران و مرد به غایت خوشنامی بود. چهل سال امور شرعیات فارس را بر عهده داشت» (مهراز، ۱۳۴۸: ۱۹۵). مهراز سال وفات او را ۶۶۶ هجری قمری نوشته است. در کتیبه ای که در بنای تخت ضرابی وجود داشته نام پدر قاضی مجدالدین آمده بوده که احتمالاً بانی تکیه نیز خود او بوده و این تکیه احتمالاً محلی برای دفن جمعی از فضلا و اعیان شیراز و افراد خاندان فالی بوده است.

### ۳-۱۰- بازار حاجی

بازار حاجی یکی از قدیمی ترین بازارهای شیراز محسوب می شود که ورودی جنوبی آن به صحن شاهچراغ (ع) راه دارد. در بعضی از کتب تاریخی نام این بازار را برگرفته از حاجی قوام الدین حسن وزیر شاه شیخ ابواسحاق می دانند اما فارسنامه ناصری آن را بر گرفته از حاجی اسد بیگ تاجر می داند که در زمان صفوی دارای اعتبار بوده است. در کتاب «تاریخ یافت قدیمی شیراز» در خصوص این بازار آمده: بازار بزرگ شهر که از عهد دیلمیان و شاید پیش از آن بنیاد نهاده شده و بعداً بازسازی و تکمیل گردیده بود، از سمت شمال غرب مسجد جمعه آغاز و رو به سمت شمال پیش می رفت. امروز این بازار را که قدیمی ترین بازار شیراز است، بازار حاجی می نامند. شاید بعدها به واسطه بعضی تاسیسات و نفوذ اقتصادی و سیاسی قوام الدین حسن، وزیر کهن سال شاه شیخ ابواسحق و ممدوح حافظ که تمناچی شهر بوده و تمام امور مالی در دست او قرار داشته است، این اسم بر این بازار نهاده شده است. همانطور که گفته شد یکی از ورودی های این بازار در قسمت جنوبی و به صحن حرم شاهچراغ (ع) باز می شود و ورودی دیگر در خیابان لطفعلی خان زند قرار دارد. امروزه در این بازار کالاهای مختلفی به فروش می رسد (حکمت نیا و احمدی، ۱۳۹۶: ۵). محمود کتبی در کتابش در مورد حاجی قوام الدین اینگونه صحبت می کند: «خواجه حاجی قوام الدین حسن که از اکابر رؤس

فارس بود و مثل او به کرم و خیرات و مبرات و خصایل پسندیده در فارس کسی نشان نداده است» (کتبی، ۱۳۶۴: ۷۱). همین نویسنده یکی از دلایل سقوط آل اینجو و شیخ ابواسحق را مرگ خواجه قوام الدین می داند که این مطلب نشاندهنده جایگاه خواجه در حکومت آل اینجو می باشد. حافظ در چندین غزل او را ستایش کرده و از بذل و بخشش و کرم او سخن گفته است. وی در سال ۷۵۸ ه.ق درگذشت و حافظ این قطعه را در ماده تاریخ فوت او سروده است:

سرور اهل عمایم شمع جمع انجمن / صاحب صاحب قران خواجه قوام الدین حسن

سادس ماه ربیع الاخر اندر نیم روز / روز آدینه به حکم کردگار ذوالمنن

هفتصد و پنجاه و دو چار از هجرت خیرالبشر / مهر را جوز امکان و ماه را خوشه وطن

مرغ روحش کوهم آشیان قدس بود / شد سوی باغ بهشت از دام این دارالمحن

بنا به نوشته فارسنامه ناصری گویا حاجی قوام الدین از اجداد فیلسوف شهیر عهد صفویه، ملاصدراى شیرازی است. در خصوص اعتبار او در نزد اهالی شیراز خواندمیر در کتاب حبیب السیر می نویسد: «(او آنقدر اعتبار داشت که در ایام محاصره (منظور محاصره شیراز توسط امیرمبارزالدین) روزی امیر شیخ از وی پرسید که آیا مهم ما و محمدمظفر به کجا خواهد رسید؟ خواجه فرمود که تا من زنده باشم انهدام به قواعد قصر جلال تو راه نخواهد یافت» (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۹۸). قوام الدین به اهل هنر عنایتی ویژه داشت و با تدبیری خاص کارهای دولت اینجو را می چرخاند. او در جود و بخشش زبانزد خاص و عام بود.

### ۳-۱۱- مقبره شیخ ابوبکر علاف

شیخ ابوبکر نقیب علویان در زمان خود بوده که او را دریای دانش می نامیدند و از معاصرین و دوستان نزدیک شیخ کبیر عبدالله خفیف به شمار می رفت و شیخ وصیت کرد که پس از مرگ، ابوبکر علاف بر او نماز گذارد. معجم الادباء، او را شاعر، فاضل و بارع و نحوی خوانده که به خراسان و ماوراءالنهر مسافرت کرده و از حماد بن مدرک هم استماع حدیث نموده است. ابوبکر علاف در سنه ۳۷۷ یا ۳۸۰ هجری در شیراز درگذشت و مدفنش در دروازه استخر قرار داشت. حاجی قوام الدین حسن بر سر قبر او قبه ای عالی ساخت و طاق و رواقی برکشید و طبقات و مشایخ و ائمه و سادات و علما و هنرمندان را در آن بقعه مدخلی پدید آورد و رسمی و جهتی فرمود (مهراز، ۱۳۴۸: ۱۶۵). مولف شدالآزار نیز ضمن معرفی سید حسن کیا، مزار او را در مجاورت مزار شیخ ابوبکر و در قبرستان شیخ کبیر می داند. احتمالاً حاجی قوام الدین حسن یا خود و یا به دستور شیخ ابواسحق اینجو مقبره این عارف و دانشمند را ساخته است.

### ۳-۱۲- محله دروازه کازرون

طبق منابع موجود محله دروازه کازرون، از طرفداران آل اینجو و شیخ ابواسحق بوده اند و قطعاً باید در این محله تاسیساتی وجود داشته باشد که امروزه از آن ها خبری نیست. در بحبوحه درگیری شیخ ابواسحق و امیرمبارزالدین، بزرگان محله دروازه کازرون برای مدتی شهر را تصرف و محله موردستان را به تلافی خیانتی که کلو عمر رئیس محله موردستان مرتکب شده بود، آن محله را آتش زدند ولی با تصرف دوباره شیراز به دست مظفریان، آنان نیز به تلافی آتش زدن محله موردستان، محله دروازه کازرون را به آتش کشیدند به طوری که تا مدت ها قابل سکونت نبوده است.

### ۴- نتیجه گیری

با ظهور اسلام و تسلط آن بر سرزمین ایران، الگوهای کهن فضاهای شهری با دستورات اسلامی در هم آمیخته، بافت و ساخت کالبدی متفاوت را رقم می زند که ساختار و شاکله آن در قالب یک مدل و الگوی کلی قابل بررسی است. هسته اولیه شهر شیراز در دوره اسلامی به احتمال فراوان در کنار مسجد جامع عتیق شکل گرفته و تا به امروز در حال گسترش می باشد. در هر دوره تاریخی شهر شیراز که از صفاریان تا قرن هشتم هجری قمری را شاهد هستیم، هر حکومت، بناهایی به این هسته اضافه نموده است. شاید از دوران صفاریان به غیر از مسجد جامع چیزی باقی نمانده اما دوره درخشان آل بویه و اتابکان در فارس شاهد شهرسازی بسیار مهمی هستیم که متأسفانه از این دو دوره نیز آثار بسیار اندکی و آن هم با تغییرات فراوان باقی مانده است. شیراز قرن هشتم هجری قمری و به خصوص دوران کوتاه آل اینجو جزو دوران بسیار خوب این شهر به حساب می آید چه از لحاظ تاریخی و چه از لحاظ شهرسازی زیرا مردم شیراز با به حکومت رسیدن آل اینجو به آرامش کوتاهی رسیدند و حاکمان این شهر در این دوره در سایه این آرامش توانستند به ساخت و ساز شهر بپردازند. این حکومت دارای شهرسازی بسیار قوی و مهمی است که تکمیل کننده دوره های قبل از خود نیز می باشد.

منابع

۱. ابن بطوطه، (۱۳۷۶)، «سفرنامه»، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و کتاب
۲. احمدی، حسین، عابد اصفهانی، عباس، اکبری فرد، مریم، (۱۳۹۲)، «آسیب شناسی کتیبه معرق سنگ و کاشی خدایخانه مسجد عتیق شیراز»، فصلنامه علمی و پژوهشی مرمت و معماری ایران، سال سوم، شماره پنجم
۳. اردشیری، مهیار، معماریان، غلامحسین، (۱۳۸۹)، «هویت شهری شیراز»، شیراز، انتشارات نوید
۴. افسر، کرامت‌اله، (۱۳۵۳)، تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران، انتشارات قطره
۵. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۶۵)، «تاریخ مغول»، چاپ ششم، تهران، انتشارات چاپخانه سپهر
۶. امداد، حسن، (۱۳۸۵)، «تاریخ آموزش و پرورش فارس از عهد باستان تا دوره معاصر»، شیراز، انتشارات نوید
۷. بحرانی پور، علی و زارعی، زهرا، (۱۳۸۹)، «خاستگاه های اقتدار و مقبولیت اجتماعی سلسله آل اینجو»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۸
۸. بهروزی، علینقی، (۱۳۳۴)، «شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور»، شیراز، انتشارات موسوی
۹. بین فیشر، ویلیام، (۱۳۹۶)، «کمبریج تاریخ ایران دوره تیموریان»، تهران، انتشارات جامی
۱۰. بینیون، لورنس، (۱۳۶۷)، «سیر تاریخ نقاشی ایرانی»، ترجمه محمد ایرامنش، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۱. جنید شیرازی، معین الدین ابوالقاسم، (۱۳۲۸)، «شدالازار»، به تصحیح محمد قزوینی، تهران، انتشارات چاپخانه مجلس
۱۲. چارنی، عبدالرضا، (۱۳۹۰)، «کتیبه معرق سنگ خدای خانه شیراز»، مجموعه مقالات خوشنویسی مکتب شیراز، به کوشش حمیدرضا قلیچ خانی، ترجمه و نشر آثار هنری، تهران، انتشارات موسسه تالیف
۱۳. حسینی فسایی، حسن، (۱۳۶۷)، «فارسانامه ناصری»، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۴. حکمت نیا، امیرحسین و احمدی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، «بازشناسی اقتصادی شهری با رویکرد بازارهای تاریخی و بازارچه های محلی (نمونه موردی: شهر شیراز)»، سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری
۱۵. خراسانی، محمدهاشم، (۱۳۸۸)، «منتخب التواریخ»، تهران، انتشارات اسلامیه
۱۶. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین، (۱۳۸۰)، «تاریخ حبیب السیر»، تهران، انتشارات خیام
۱۷. خوب نظر، حسن، (۱۳۸۸)، «تاریخ مفصل شیراز از آغاز تا ابتدای سلطنت کریمخان زند»، تهران، انتشارات سخن
۱۸. خیراندیش، عبدالرسول و منصور، علی، (۱۳۹۱)، «منازعه های اجتماعی درون شهری شیراز در قرن هشتم و نقش عوامل بیرونی در آن»، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، شماره ۱۶
۱۹. دیولافوا، ژان، (۱۳۶۱)، «سفرنامه ایران، کلد و شوش»، مترجم همایون فره وش، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام
۲۰. زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین الدین، (۱۳۵۰)، «شیرازنامه»، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
۲۱. سامی، علی، (۱۳۳۷)، «شیراز شهر سعدی و حافظ»، شیراز، انتشارات موسوی
۲۲. سامی، علی، (۱۳۶۳)، «شیراز شهر جاویدان»، شیراز، انتشارات نوید
۲۳. عباسی، جواد و راضی، زهره، (۱۳۹۳)، «مشروعیت ایرانی در حکومت های محلی ایران در قرن هشتم هجری»، دو فصلنامه پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، سال دوم، شماره دوم
۲۴. فرصت الدوله شیرازی، محمد، (۱۳۶۲)، «آثار عجم»، تهران، انتشارات بامداد
۲۵. کتبی، محمود، (۱۳۳۵)، «تاریخ آل مظفر»، تهران، انتشارات امیرکبیر
۲۶. گالدیری، اوجنیو، (۱۳۷۹)، «نمونه ای چشم گیر از یک مرمت قدیمی: خدایخانه شیراز»، هنر و جامعه در جهان ایرانی، ترجمه احسان اشراقی، به کوشش شهیار عدل، تهران، انتشارات توس
۲۷. مصطفوی، محمدتقی، (۱۳۴۳)، «قلیم پارس»، انتشارات انجمن آثار ملی
۲۸. مهرارز، رحمت الله، (۱۳۴۸)، «بزرگان شیراز»، تهران، انتشارات آثار ملی
۲۹. میرخواند، محمدبن خاوندشاه، (۱۳۸۰)، «روضه الصفا»، تهران، انتشارات اساطیر
۳۰. ندیم، مصطفی، زارعی، منیژه، آتشی، زهرا، خائف، مریم، (۱۳۹۷)، «بررسی موقوفات بانو تاشی خاتون بر حرم مطهر شاهچراغ(ع)»، فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی، سال اول، شماره اول
۳۱. نواب شیرازی، علی اکبر، (۱۳۶۹)، «تذکره دلگشا»، به تصحیح منصور رستگار فسایی، انتشارات نوید، شیراز
32. Applegate, L.M., Austin, R.D., and McFarlan, W.F. (2003). Corporate Information Strategy & Management, International Edition, Sixth edition, McGraw- Hill.
33. Clarke, S. (2001). Information Systems Strategic Management, Anintegrated approach, Routledge, Taylor & Francis Group, London & New York.
34. Dohertya, N.F., Marplesa, C.G. and Suhaimib, A. (1999) Therelative success of alternative approaches to strategicinformation systems planning: an empirical analysis, Journal of Strategic Information Systems 8 .pp. 263–283.